

شیرین تر شکر

بازنویسی: ابوالفضل هادی منش

تصویرگر: محمد حسین صلواتیان

مقدمه

همه‌ی آدم‌ها، داستان‌ها را دوست دارند. شما هیچ آدمی را پیدا نمی‌کنید که داستانی بلد نباشد. آدم‌ها با داستان‌ها زندگی می‌کنند؛ آن‌ها را می‌آموزند و برای دیگران هم تعریف می‌کنند.

من این کتاب را برای شما نوجوان‌ها نوشته‌ام. این کتاب شاید هفتادمین کتاب من باشد. من داستان‌های آن را از لابه‌لای کتاب‌های کهن فارسی - که امروز کمتر از آن‌ها اسمی به میان می‌آید- گرد آورده‌ام و برای شما ساده نویسی کرده‌ام تا مفهوم آن‌ها را آسان‌تر درک کنید.

شاید بپرسید که چرا من سراغ نوشتن آن رفتم، یا دنبال گفتن چه حرفی بودم؟ سؤال خوبی است!

من هم مثل شما روزگاری نوجوان بودم؛ خودم نیز الان یک پسر نوجوان دارم. او هم مثل شما، بازی‌های رایانه‌ای، فیلم سینمایی، کارتون و این جور چیزها را دوست دارد. وقتی به روزگار نوجوانی خودم برمی‌گردم می‌بینم ما هم که بچه‌های قدیم بودیم، این چیزها را دوست داشتیم؛ اگرچه آن وقت‌ها، این وسایل و سرگرمی‌ها کمتر توی دست و بال بچه‌ها بود و ما خودمان را بیشتر با بازی‌های محلی و کتاب‌های داستان سرگرم می‌کردیم.

بگذارید جواب این سؤال را از این جا شروع کنم که آیا تا حالا به این فکر کرده‌اید که اگر همین داستان‌ها نبودند هیچ فیلم و سریال و کارتون ساخته نمی‌شد؟

مایه‌ی اصلی هر فیلم و سریال و کارتون، یک داستان است. در واقع این داستان‌ها هستند که به شکل فیلم و سریال و کارتون درآمدند. داستان‌ها وقتی که هیچ تلویزیون و رایانه و سینمایی نبود، با ما آدم‌ها دوست شدند؛ خیلی قبل‌تر از اختراع برق.

یادم نمی‌رود؛ سنّ و سال شما که بودم، در ساعت‌های خاموشی و بی‌برقی، بهترین سرگرمی ما، گوش دادن به داستان‌های بی‌بی بود؛ مادربزرگم را می‌گویم.

همه، دور کرسی جمع می‌شدیم و به داستان‌های عجیب و غریب یا حتی ترسناک او گوش می‌دادیم. بعضی وقت‌ها داستان‌های او به قدری جالب می‌شدند که روزها هم به آن فکر می‌کردیم یا خودمان را جای آدم‌های قصه‌های او می‌گذاشتیم. آن روزها، اگر کسی داستان‌های بیشتری بلد بود، در شب‌های بی‌برقی و دور هم‌نشینی، جای خالی‌ش بیشتر احساس می‌شد و... بگذریم!

حالا روزگار، گذشته و زمانه عوض شده، می‌دانم. اما من می‌گویم داستان‌ها هنوز به قدرت و قوّت خود باقیند و هنوز که هنوز است، حرف اول زندگی ما را می‌زنند. کافی است یکی از این داستان‌ها، به دست یک فیلم‌ساز یا انیمیشن‌ساز بیفتند تا خیلی زود، او را به این فکر بیندازد که چه فیلم یا کارتون‌ی را می‌شود با آن ساخت.

حتماً متوجه منظوم شدید که چرا بعد از این همه سال، به فکر نوشتن چنین کتابی افتادم. نمی‌دانید چقدر خوشحال می‌شوم وقتی که می‌بینم پسر، رایانه‌اش را کنار گذاشته و سراغ خواندن کتابی رفته است! حتما پدر و مادر شما هم همین حس را دارند وقتی دست شما کتابی می‌بینند.

من حتم دارم اگر این کتاب را به هر دوستی بدهید، از خواندن آن خوشحال می‌شود؛ حتی بزرگ‌ترهای‌تان یا حتی معلم‌تان. چون من هنوز هم می‌گویم، این داستان‌ها ایند که حرف اول زندگی آدم‌ها را می‌زنند، این داستان‌ها هستند که باعث عبرت می‌شوند، این داستان‌ها هستند که موجب دوستی‌ها می‌شوند - کاری به جدید و قدیمی آن ندارم - این داستان‌ها هستند که شیرین‌تر از شکر، وقتی خوانده می‌شوند و ما را با دنیایی جدید آشنا می‌کنند.

منم‌ونم که این کتاب را انتخاب کردید!

و امیدوارم که از خواندن آن لذت ببرید و گاهی هم به داستان‌های آن فکر کنید، چون من آن‌ها را با دقت، از بین صدها داستان و حکایت و سرگذشت، برای شما جدا کرده‌ام.

دوست شما
ابوالفضل هادی منش
بهار ۹۴

فهرست

داستان‌های بهار

۱۰۲	۸۲. کُتک؛ بهترین استدلال!	۵۵	۴۲. چه قدر دوستش داری؟	۷	۱. «گمان» رایگان
۱۰۳	۸۳. آتشی آه فقیران!	۵۶	۴۳. درخت زندگی	۸	۲. خواب واقعی
۱۰۴	۸۴. نجات با توکل	۵۷	۴۴. بر چگرم می‌زنی	۹	۳. زاغ نادان
۱۰۵	۸۵. بیمار زنده‌دل	۵۸	۴۵. چارو ندارم	۱۰	۴. حاتم دگرگون شد
۱۰۷	۸۶. حقا که مؤمنید!	۵۹	۴۶. او «واو» دزدیده است!	۱۱	۵. دشمن نتوان، حقیر و بیچاره شمرَد
۱۰۸	۸۷. با سخاوت‌تر از من	۶۰	۴۷. بریدن زبان مادر!	۱۲	۶. سه ماهی
۱۰۹	۸۸. راز طول عمر فرعون	۶۱	۴۸. پا به پای مرگ	۱۳	۷. جوانمردتر از حاتم طالعی
۱۱۱	۸۹. فقیر توانگر!	۶۲	۴۹. او را می‌کُشم!	۱۴	۸. مزور خورده‌ام!
۱۱۳	۹۰. این مال، از آن کیست؟	۶۳	۵۰. دل سوزی عزرائیل	۱۵	۹. گراز عهد خردیت یاد آمدی...
۱۱۴	۹۱. جواب نیکو؟	۶۵	۵۱. پادشاه خسیس	۱۶	۱۰. گوشت فیل نمی‌خورم
۱۱۵	۹۲. برو، تو آزادی	۶۶	۵۲. گور سقراط	۲۰	۱۱. دز همه شنکی، نباشد زُرو و سیم
۱۱۶	۹۳. از کاخ تا کوخ	۶۷	۵۳. من زهر را خوردم	۲۱	۱۲. نعوذ بالله
۱۱۷	۹۴. نزد خدا بهتر است	۶۸	۵۴. سبب را که به هوا بیندازی هزار چرخ می‌خورد	۲۲	۱۳. از خر بگو!
۱۱۸	۹۵. گریه افلاطون	۶۹	۵۵. عیب حضرت داوود	۲۳	۱۴. سلطان، پشیمان شد
۱۱۹	۹۶. تنبور زنی برای خدا!	۷۰	۵۶. «گشناسپ» آهنگر	۲۴	۱۵. طبل تزن بچه!
۱۲۲	۹۷. مسابقه بدخطی!	۷۱	۵۷. قضا و قدر	۲۶	۱۶. نمازگزاران نادان
۱۲۳	۹۸. شما خبر ندارید	۷۳	۵۸. مستحجاب نشدن دعا به خاطر یک غریز!	۲۷	۱۷. آزمون تیل‌یابی!
۱۲۴	۹۹. ماهی‌شناس!	۷۴	۵۹. ناراحتی طاووس از زیبایی خود!	۲۸	۱۸. سخن از روی خرد
۱۲۶	۱۰۰. هر بهاری خزانی دارد	۷۵	۶۰. عیب خانمان سوز	۲۹	۱۹. باید پشم می‌کاشتید!
۱۲۸	۱۰۱. تا نمردی نتوانستی	۷۷	۶۱. قیافه‌ی «عزرائیل»	۳۰	۲۰. کاش! «در» را می‌یافتیم!
		۷۸	۶۲. پشه خندید و گفت....	۳۱	۲۱. دوستی خاله خرسه!
		۷۹	۶۳. نصیحت عیسی(ع)	۳۲	۲۲. چه قدر مهربانی!
		۸۰	۶۴. نتیجه کرم	۳۴	۲۳. آنچه در مستراح گفتید...
		۸۱	۶۵. پاداش صبر موسی	۳۵	۲۴. چرا زمین نمی‌خوری؟
		۸۲	۶۶. خودتان هدیه شوید	۳۶	۲۵. هنوز کفش‌هایم را پیدا نکرده‌ام!
		۸۴	۶۷. بهترین عبادت ظالم	۳۷	۲۶. بالله، قسم نمی‌خورم!
		۸۵	۶۸. قاری مردم‌آزار	۳۸	۲۷. انگشت انگشت مَبر تا بُشکه بُشکه ریزی!
		۸۶	۶۹. سحر خیزی و کام‌روایی	۳۹	۲۸. نایبانی چراغ به دست
		۸۷	۷۰. شیرینی‌دُم و یال و شکم!	۴۰	۲۹. احسنت به مرغ
		۸۸	۷۱. گریه غلام، به خاطر رسیدن به مقام پادشاهی!	۴۱	۳۰. آنجا خانه ماست!
		۸۹	۷۲. هیزم طلایی	۴۲	۳۱. کالای خود را نگه دار
		۹۰	۷۳. عقل ایاز	۴۳	۳۲. پارسا و کفش‌دوز
		۹۲	۷۴. وگرنه، می‌میری!	۴۴	۳۳. طوطی و مرد کچل
		۹۳	۷۵. حسود را چه کنم؟	۴۵	۳۴. قَرم‌سَم به کعبه نرسی!
		۹۴	۷۶. دعا کن غرق شوند	۴۶	۳۵. کودکی، عوض لقمه نانی!
		۹۵	۷۷. امیر اسیر	۴۷	۳۶. قضاوت گرگ عابد
		۹۶	۷۸. موش فرومایه	۴۹	۳۷. چرا این بُز را می‌زنی؟
		۹۸	۷۹. از دوستی تا دورویی	۵۰	۳۸. خدای زندان
		۹۹	۸۰. همه می‌روند	۵۱	۳۹. مسجد، جای این کارها نیست
		۱۰۰	۸۱. دروغ می‌گویی	۵۲	۴۰. گوشه‌ای از اسرار
				۵۴	۴۱. گرفتاران «هاویه»

داستان‌های تابستان

۱۲۹	۱۰۲. سیلی چرب
۱۳۰	۱۰۳. معجون نیروبخش
۱۳۲	۱۰۴. این نیز، بگذرد!
۱۳۳	۱۰۵. سوال مورچگان
۱۳۴	۱۰۶. فرقی فقیر و گدا
۱۳۵	۱۰۷. سه دعای بی‌ثمر
۱۳۶	۱۰۸. جای پای دزد
۱۳۷	۱۰۹. سخاوت حاتم
۱۳۸	۱۱۰. حکمتی بزرگ
۱۳۹	۱۱۱. در ماتم زندگان!
۱۴۱	۱۱۲. «همای» سعادت
۱۴۲	۱۱۳. آیینة دل
۱۴۴	۱۱۴. پدر جان! چرا...
۱۴۵	۱۱۵. این هم مزد تو
۱۴۶	۱۱۶. گنج خاک
۱۴۷	۱۱۷. دوران‌دیشی بازگان
۱۴۸	۱۱۸. پرسشی آدرس زنی بدکاره، از عزرائیل!
۱۵۱	۱۱۹. وارث پیغمبران
۱۵۲	۱۲۰. زنبور مغرور
۱۵۳	۱۲۱. پاسخ بزرگ مهر

۲۶۸	۲۰۴	۲۱۴	۱۶۴	۱۵۴	۱۱۲
دزدان عصای موسی	زیرا حکیمان گفته‌اند....	آهسته! آسمان نفهمد!	قصه موسی و شبان	سزای فیلسوف مغرور	وای اگر مرا نشناسد!
۲۷۰	۲۰۶	۲۱۶	۱۶۶	۱۵۶	۱۱۴
شیرین‌تر از حلو!	شیرین‌تر از حلو!	آرامش در میان دزدان	گوهر حقیقی	شغال طاووس نما	یوسف و پیرزن
۲۷۱	۲۰۷	۲۱۷	۱۶۷	۱۵۷	۱۱۵
پهلوان ناتوان	خروس خردمند	کشاورز و مار	همه، ناکامند!	می خورم و می بخشم	«آهسته» و «بپوسته» رو
۲۷۲	۲۰۸	۲۱۹	۱۶۸	۱۵۸	۱۱۶
انتقام موش از کد خدا	دست‌های خالی	رفیق ناجنس	تعبیر خواب	نمی‌توانم بگویم!	تیغور خندید
۲۷۳	۲۱۰	۲۲۱	۱۷۰	۱۶۰	۱۱۸
اخلاق را عوض کن	اگر... معلمی زنده نمی‌ماند!	جان‌گدیده	دست‌بُرد به شیطان!	همه چیز را همگان دانند	«ستاره‌شناس» بر «دار»
۲۷۴	۲۱۱	۲۲۲	۱۷۱	۱۶۱	۱۱۹
پادشاه بیمار	فرمان خدا، تغییر کرد!	پس دلش کو؟	من کار دارم!	این شاه الله متّم!	تقصیر باد است!
۲۷۵	۲۱۲	۲۲۳	۱۷۲	۱۶۲	۱۲۰
چرا اول گوشت؟!؟	وحشت «فیل» از «ماه»!	قمار، بُردش هم باخت است!	علم غیب ندارم!	قطره معلّم!	برای ما حلال است، نه برای شما!
۲۷۶	۲۱۳	۲۲۴	۱۷۳	۱۶۳	۱۲۱
چنین دهانی ندارم!	مار، در گلو	نرود میخ آهنین در سنگ	سر خود را به نادانی شکستی!	انسان واقعی	جای خلوت
۲۷۷	۲۱۴	۲۲۵	۱۷۴	۱۶۴	۱۲۲
درویش ثروتمند!	شاعر دزد!	پرنده پند آموز	هر دو یکی است اما...	داستان صبر ایوب	اگر من «ناجوان مَرَدَم»!
۲۷۸	۲۱۵	۲۲۶	۱۷۵	۱۶۵	۱۲۳
شکر پا برهنگی!	مکر مار پیر	جایگاه خطرناک	مهمانی در زیر تیغ	این را چگونه خوردی؟	ما کجا و او کجا؟!؟
۲۷۹	۲۱۶	۲۲۷	۱۷۶	۱۶۶	۱۲۴
پیشک و اردشیر بابکان	این، رسم جوانمردی نیست!	دزد عاقبت اندیش	داروی جنون	آهنگ‌های شیطانی	راه «آبادی» از «ویرانی» می‌گذرد
۲۸۰	۲۱۷	۲۲۸	۱۷۷	۱۶۷	۱۲۵
مأموریت کلاغ، توکل آهوها!	لیبک خدا	بهبشتیان را می‌بینم!	شبهه موش می‌شوی	تاجر پریشان	سلطان محمود، در لباس دزدها
۲۸۱	۲۱۸	۲۲۹	۱۷۸	۱۶۸	۱۲۶
ساکت، ساکت	سفر جوان خام	دانشمند، دارم دیوانه می‌شوم!	باز آی، باز آی	گرگ طمع‌کار	معنای انگور
۲۸۲	۲۱۹	۲۳۰	۱۷۹	۱۶۹	۱۲۷
به خدا چه بگویم؟	ریودن کفش پیامبر(ص)	ای مسکین!	راهزنان را بگیرید!	قبل از شوهر زن شداد!	تیر و کمان را آتش زد
۲۸۳	۲۲۰	۲۳۱	۱۸۰	۱۷۰	۱۲۸
شهر پادشاه‌کش	آیا وقتش نشده؟!؟	پیام آلب ارسلان از قبر	بهاشتان را می‌بینم!	افتاد و جان داد!	گره طمع‌کار
۲۸۴	۲۲۱	۲۳۲	۱۸۱	۱۷۱	۱۲۹
آیا وقتش نشده؟!؟	حمله مریدان به پیر!	سخت و سخت‌تر	بهاشتان را می‌بینم!	دوایش، سرگین است!	شتر، به رقص آمد
۲۸۵	۲۲۲	۲۳۳	۱۸۲	۱۷۲	۱۳۰
دستش چُلاق شود!	دزد امانت‌دار!	بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!	همه را می‌خواهم	فردا چه بخورم؟
۲۸۶	۲۲۳	۲۳۴	۱۸۳	۱۷۳	۱۳۱
گناه نابخشودنی	گوشت خوک بخور!	بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!	سنگ هندی‌تر!	معنی «لاف»
۲۸۷	۲۲۴	۲۳۵	۱۸۴	۱۷۴	۱۳۲
دزد امانت‌دار!	سؤال از خلیفه در قبر	بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!	آداب تجارت	سایه‌ی استخوان
۲۸۸	۲۲۵	۲۳۶	۱۸۵	۱۷۵	۱۳۳
گناه نابخشودنی	نعره‌ای کشید و مسلمان شد	بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!	عبادت از دشمن!	نصیحت سنگ!
۲۸۹	۲۲۶	۲۳۷	۱۸۶	۱۷۶	۱۳۴
گوشت خوک بخور!	آنها چه کسانی هستند؟	بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!	تو، دشمن منی	
۲۹۰	۲۲۷	۲۳۸	۱۸۷	۱۷۷	
سؤال از خلیفه در قبر	تو را بخشودیم	بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۲۹۱	۲۲۸	۲۳۹	۱۸۸	۱۷۸	
نعره‌ای کشید و مسلمان شد	تو، دشمن منی	بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۲۹۲	۲۲۹	۲۴۰	۱۸۹	۱۷۹	
آنها چه کسانی هستند؟		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۲۹۳	۲۳۰	۲۴۱	۱۹۰	۱۸۰	
تو را بخشودیم		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۲۹۴	۲۳۱	۲۴۲	۱۹۱	۱۸۱	
تو، دشمن منی		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۲۹۵	۲۳۲	۲۴۳	۱۹۲	۱۸۲	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۲۹۶	۲۳۳	۲۴۴	۱۹۳	۱۸۳	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۲۹۷	۲۳۴	۲۴۵	۱۹۴	۱۸۴	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۲۹۸	۲۳۵	۲۴۶	۱۹۵	۱۸۵	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۲۹۹	۲۳۶	۲۴۷	۱۹۶	۱۸۶	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۰۰	۲۳۷	۲۴۸	۱۹۷	۱۸۷	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۰۱	۲۳۸	۲۴۹	۱۹۸	۱۸۸	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۰۲	۲۳۹	۲۵۰	۱۹۹	۱۸۹	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۰۳	۲۴۰	۲۵۱	۲۰۰	۱۹۰	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۰۴	۲۴۱	۲۵۲	۲۰۱	۱۹۱	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۰۵	۲۴۲	۲۵۳	۲۰۲	۱۹۲	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۰۶	۲۴۳	۲۵۴	۲۰۳	۱۹۳	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۰۷	۲۴۴	۲۵۵	۲۰۴	۱۹۴	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۰۸	۲۴۵	۲۵۶	۲۰۵	۱۹۵	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۰۹	۲۴۶	۲۵۷	۲۰۶	۱۹۶	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۱۰	۲۴۷	۲۵۸	۲۰۷	۱۹۷	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۱۱	۲۴۸	۲۵۹	۲۰۸	۱۹۸	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۱۲	۲۴۹	۲۶۰	۲۰۹	۱۹۹	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۱۳	۲۵۰	۲۶۱	۲۱۰	۲۰۰	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۱۴	۲۵۱	۲۶۲	۲۱۱	۲۰۱	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۱۵	۲۵۲	۲۶۳	۲۱۲	۲۰۲	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۱۶	۲۵۳	۲۶۴	۲۱۳	۲۰۳	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۱۷	۲۵۴	۲۶۵	۲۱۴	۲۰۴	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۱۸	۲۵۵	۲۶۶	۲۱۵	۲۰۵	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۱۹	۲۵۶	۲۶۷	۲۱۶	۲۰۶	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۲۰	۲۵۷	۲۶۸	۲۱۷	۲۰۷	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۲۱	۲۵۸	۲۶۹	۲۱۸	۲۰۸	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۲۲	۲۵۹	۲۷۰	۲۱۹	۲۰۹	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۲۳	۲۶۰	۲۷۱	۲۲۰	۲۱۰	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۲۴	۲۶۱	۲۷۲	۲۲۱	۲۱۱	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۲۵	۲۶۲	۲۷۳	۲۲۲	۲۱۲	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۲۶	۲۶۳	۲۷۴	۲۲۳	۲۱۳	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۲۷	۲۶۴	۲۷۵	۲۲۴	۲۱۴	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۲۸	۲۶۵	۲۷۶	۲۲۵	۲۱۵	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۲۹	۲۶۶	۲۷۷	۲۲۶	۲۱۶	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۳۰	۲۶۷	۲۷۸	۲۲۷	۲۱۷	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۳۱	۲۶۸	۲۷۹	۲۲۸	۲۱۸	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۳۲	۲۶۹	۲۸۰	۲۲۹	۲۱۹	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۳۳	۲۷۰	۲۸۱	۲۳۰	۲۲۰	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۳۴	۲۷۱	۲۸۲	۲۳۱	۲۲۱	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۳۵	۲۷۲	۲۸۳	۲۳۲	۲۲۲	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۳۶	۲۷۳	۲۸۴	۲۳۳	۲۲۳	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۳۷	۲۷۴	۲۸۵	۲۳۴	۲۲۴	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۳۸	۲۷۵	۲۸۶	۲۳۵	۲۲۵	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۳۹	۲۷۶	۲۸۷	۲۳۶	۲۲۶	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۴۰	۲۷۷	۲۸۸	۲۳۷	۲۲۷	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۴۱	۲۷۸	۲۸۹	۲۳۸	۲۲۸	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۴۲	۲۷۹	۲۹۰	۲۳۹	۲۲۹	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۴۳	۲۸۰	۲۹۱	۲۴۰	۲۳۰	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۴۴	۲۸۱	۲۹۲	۲۴۱	۲۳۱	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۴۵	۲۸۲	۲۹۳	۲۴۲	۲۳۲	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۴۶	۲۸۳	۲۹۴	۲۴۳	۲۳۳	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۴۷	۲۸۴	۲۹۵	۲۴۴	۲۳۴	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۴۸	۲۸۵	۲۹۶	۲۴۵	۲۳۵	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۴۹	۲۸۶	۲۹۷	۲۴۶	۲۳۶	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۵۰	۲۸۷	۲۹۸	۲۴۷	۲۳۷	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۵۱	۲۸۸	۲۹۹	۲۴۸	۲۳۸	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۵۲	۲۸۹	۳۰۰	۲۴۹	۲۳۹	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۵۳	۲۹۰	۳۰۱	۲۵۰	۲۴۰	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۵۴	۲۹۱	۳۰۲	۲۵۱	۲۴۱	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۵۵	۲۹۲	۳۰۳	۲۵۲	۲۴۲	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۵۶	۲۹۳	۳۰۴	۲۵۳	۲۴۳	
		بیت پادشاه، شیر را کم کرد!	بهاشتان را می‌بینم!		
۳۵۷	۲۹۴	۳۰۵			

۴۲۸	عابد پرخور	۲۸۶	۲۸۶. «اسب» سر «گاو»	۳۴۷	۲۴۴. قحط انسان!
۴۲۹	میمون و مُشتی عدس	۲۸۸	۲۸۷. استاد ساده‌لوح	۳۴۸	۲۴۷. خوابیده بودی، بهتر بود
۴۴۰	خیانت لاک‌پشت به میمون	۲۹۰	۲۸۸. زمین او را بلعید!	۳۳۹	۲۴۸. سرفه‌ای هم باید کرد!
۴۴۷	سرانجام صبر	۲۹۱	۲۸۹. صحبت ابلهان	۳۴۰	۲۴۹. صدقه و مار سیاه
۴۴۸	بهلول و خرغه، نون جو و سرکه	۲۹۲	۲۹۰. تشنه عنوان!	۳۴۱	۲۵۰. گرفتاری خوب!
۴۴۹	کیفر نامرئی	۲۹۲	۲۹۱. عیب «بزرگ‌مهر»	۳۴۲	۲۵۱. غالب‌تر از همه چیز!
۴۵۰	کاروان سرا	۲۹۴	۲۹۲. آش رشته	۳۴۳	۲۵۲. گواهی دادن درخت!
۴۵۱	زر، زر آزاد!	۲۹۵	۲۹۳. آشکم رایگان است	۳۴۵	۲۵۳. نیم درهم بهتر از صد درهم!
۴۵۲	مکر مرغ ماهی‌خوار	۲۹۶	۲۹۴. زمین شوره سنبل برنیارد	۳۴۶	۲۵۴. پادشاه دادگر
۴۵۴	نمی‌گویم الف، تا جانم خلاص شود!	۲۹۹	۲۹۵. این هم از پیری است	۳۴۸	۲۵۵. ره رستگاری همین است و بس
۴۵۵	هارون را کشتی!	۴۰۰	۲۹۶. تو که «خر» نیستی؟	۳۴۹	۲۵۶. وزیر لایق
۴۵۶	نصیحت به گرگ!	۴۰۱	۲۹۷. «وز» جادوی زدنی	۳۵۰	۲۵۷. خدایا شکر!
۴۵۷	اول بشنو	۴۰۳	۲۹۸. برادر دل‌سوز	۳۵۱	۲۵۸. رمز نجات از قفس
۴۵۸	سخن خرا قبول می‌کنی؟	۴۰۴	۲۹۹. آتش قهر الهی	۳۵۲	۲۵۹. مو در غذا
۴۵۹	الآن تنها شدم	۴۰۵	۳۰۰. تو هستی!	۳۵۳	۲۶۰. در دهان مردم را نمی‌توان بست!
۴۶۰	راز تفاوت	۴۰۶	۳۰۱. دادخواهی خُر!	۳۵۶	۲۶۱. بدتر از درد
۴۶۵	زن و مرگ و نیاز	۴۰۸	۳۰۲. پیروزی شتر	۳۵۷	۲۶۲. تو باید شیربازی
۴۶۶	مشکل کجاست؟	۴۰۹	۳۰۳. ایثار عارفان	۳۵۸	۲۶۳. عبرت رویاه
۴۶۷	مورچه‌ها و مهمان‌ها	۴۱۰	۳۰۴. پاداش جوان‌مردی	۳۵۹	۲۶۴. من، ریاکار نیستم
۴۶۸	بیگانه آشنا	۴۱۱	۳۰۵. دهان پُر و مغز خالی	۳۶۰	۲۶۵. ثروت باد آورده
۴۶۹	صیاد و ماهی‌غول‌بیکر	۴۱۲	۳۰۶. عبارت نامربوط، در نامه خلیفه	۳۶۱	۲۶۶. چغندر تا نیاز
۴۷۰	تو نیکی می‌کنی و در دجله انداز	۴۱۳	۳۰۷. قلم خطرناک!	۳۶۲	۲۶۷. خدای اکبر بدهد!
۴۷۳	او را نفرین مکن	۴۱۴	۳۰۸. گنج آیز	۳۶۴	۲۶۸. موش کجا و شتر کجا
۴۷۴	نشانه پارسی	۴۱۶	۳۰۹. شراب و شرمندگی	۳۶۶	۲۶۹. آستین نو، بخور پلو!
۴۷۶	نمازِ باطل	۴۱۷	۳۱۰. عاقبت پرخوری	۳۶۷	۲۷۰. ده‌تا بودیم، تنها!
۴۷۷	درد خدا!	۴۱۸	۳۱۱. سراپا، انصاف است	۳۶۸	۲۷۱. سه سؤال و سه جواب
۴۷۸	اسب فرشته!	۴۱۹	۳۱۲. بیهوده ماندی و بیهوده مُردی		
۴۸۰	نمک، پشم نیست	۴۲۰	۳۱۳. چاق مُرد و لاغر، ماند		
۴۸۳	«او» زندگی بخش!	۴۲۱	۳۱۴. هرچه خوار آید، روزی به‌کار آید	۳۶۹	۲۷۲. لباسش را هم بُرد!
۴۸۴	سزای سک بی‌وفا	۴۲۲	۳۱۵. تو، هَمَتَا نداری!	۳۷۰	۲۷۳. بدتر از بد
۴۸۵	یک گام جلوتر	۴۲۴	۳۱۶. تلاش بیهوده نکن!	۳۷۲	۲۷۴. رُطب خورده منع رُطب چون کند؟
۴۸۶	خارهای دون	۴۲۵	۳۱۷. خطر افزایش قیمت نمک	۳۷۳	۲۷۵. دینارها را بزدار
۴۸۷	تلخ تلخ تلخ	۴۲۶	۳۱۸. راز مملکت‌داری	۳۷۵	۲۷۶. نصیحت عارف
۴۸۸	بیهوش؛ جایگاه مرد بندگان!	۴۲۷	۳۱۹. شکلی فیل در تاریکی	۳۷۶	۲۷۷. من؛ همان فقیرم
۴۸۹	عَلت محبت خدا به موسی؟	۴۲۸	۳۲۰. اسم اعظم هم، نمی‌تواند!	۳۷۷	۲۷۸. درویش آزاده
۴۹۰	دروغ سنج لقمان	۴۲۹	۳۲۱. عاقبت بدخواهی	۳۷۸	۲۷۹. قصر تو، سوراخ است!
۴۹۱	بیخشد کتک شما را حلاج خورد!	۴۳۰	۳۲۲. فن پیروزی	۳۷۹	۲۸۰. دوستی «کلاغ» و «لَکَن لَکَن»
۴۹۲	شیر و شتر	۴۳۲	۳۲۳. آیین مهمان‌نوازی	۳۸۰	۲۸۱. قاضی و مبارک
		۴۳۳	۳۲۴. نخورد و بهره نبرد	۳۸۲	۲۸۲. راز تندرستی
		۴۳۴	۳۲۵. پادشاه و دیوانه	۳۸۳	۲۸۳. تو بخیلی زیرا...
		۴۳۶	۳۲۶. حَقّ علی الزکوة	۳۸۴	۲۸۴. مُردنَت بَه که مردم آزاری!
		۴۳۷	۳۲۷. دلیل خنده پیامبر(ص)	۳۸۵	۲۸۵. درخت طلا

داستان‌های زمستان